

مصادقات‌های دارالاسلام در دنیای معاصر (۷) (جمهوری اسلامی ترکستان شرقی) (قسمت ۳۰)

چرا «جمهوری اسلامی ترکستان شرقی»؟ چون اولین حکومت جمهوری اسلامی در میان مسلمین است و این اولین جمهوری مسلمین هم بر اساس مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله اعلام موجودیت کرد. یاد آوری می‌کنم که جمهوری قالبی حکومتی است که در آن مسئولین اجرائی جامعه وراثتی نیستند، بلکه از سوی مردم برای مدت زمانی مشخص انتخاب می‌شوند و مردم بر اعمال آنها نظارت دارند.^۱ حالا در این قالب ممکن است یکی از عقاید احزاب مختلف سکولاریستی ریخته شود یا عقیده‌ی اسلامی یا هر عقیده‌ی دیگری، پس بافت و ساختار نظام حکومتی جمهوری در تمام کشورهایی که قالب جمهوری را انتخاب کرده‌اند یکسان نیست و نمی‌توان با محتوای یکی محتوای دیگر جمهوری‌ها را به قضاوت نشست و مثلاً محتوای جمهوری لیبرال فرانسه و آلمان را دید و با چنین شناختی به قضاوت در مورد محتوای جمهوری دمکراتیک خلق کره‌ی شمالی یا چین نشست و یا شخص با شناختی که از محتوای این جمهوری‌های سکولار دارد به قضاوت در مورد محتوای جمهوری‌های اسلامی بنشیند.

یا شخص با شناختی که از دیوان ساسانیان زرتشتی دارد بیاید و با همان قضاوت درباره دیوانی که عمر بن خطاب به وجود آورد قضاوت کند. قالب یک قالب است، اما با وجود تغییرات و دستکاری‌هایی محتوای دیوان عمر بن خطاب با محتوای دیوان زرتشتی‌ها متفاوت است. در این حالت: نه با محتوای دیوان عمر بن خطاب می‌شود درباره دیوان زرتشتیان ساسانی قضاوت کرد و نه با محتوای دیوان زرتشتیان می‌توان دیوان عمر بن خطاب را قضاوت کرد.

به زبانی ساده‌تر ممکن است یک مسلمان با یک سکولار یا یک یهودی و نصرانی و غیره یک کاپشن و یک لباس بپوشند، این تشابه در قالب و لباس به معنی تشابه در محتوای این لباسها نیست، یا ممکن است یک یهودی یا یک سکولار (مشرک) یا یک مسلمان و نصرانی و غیره برای رسیدن به اهداف خاص خودشان از یک نوع اسلحه و یک نوع ماشین یا یک نوع قطار و یک نوع هواپیما استفاده کنند. این تشابه در قالبها و ابزارها به معنی تشابه محتوا و تشابه استفاده‌کننده‌های از این قالبها و ابزارها نیست.

در این صورت کلمه‌ی «جمهوری» قالب و شکل حکومت را مشخص می‌کند و کلمات، سکولار - لیبرال یا سکولار - کمونیست یا اسلامی محتوای این قالب جمهوری و لباس و قطار و هواپیما و ماشین

^۱ مقیمی، غلامحسین؛ مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت، تهران، نشر معناگرا، ۱۳۸۵، ص ۵۹.

را تعیین می‌کند. پس زمانی که می‌گوئیم «جمهوری اسلامی ترکستان شرقی» یعنی قالب جمهوری که در آن اسلام ریخته شده است. حالا در این جمهوری، اسلام بر اساس مذهب امام حنفی رحمه الله ریخته شده بود.

چون برادران و خواهران محترم آگاهی کمتری نسبت به این بخش از سرزمینهای اشغالی مسلمین دارند به صورت مختصر توضیحاتی مجمل ارائه می‌دهم. تاریخ ورود اسلام به ماوراء النهر و خوارزم و ترکستان به زمان خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه، سومین خلیفه مسلمین، و به دست صحابی بزرگوار حکم بن عمر غفاری رضی الله عنه بر می‌گردد، اما آزادی کامل آن در دوران عبدالملک بن مروان به دست قتیبه بن مسلم باهلی رحمه الله که سیاستی جنگی شبیه عمر بن خطاب رضی الله عنه داشت در سالهای ما بین ۸۱ش و ۹۴ش انجام گرفت او در سال ۹۳ش کاشغر در ترکستان شرقی را آزاد کرد.^۲

آزاد سازی این سرزمینها مثل تمام سرزمینهای دیگر به معنی تحمیل عقیده بر ساکنان این سرزمینها نبوده بلکه به معنی رها کردن مردم از دست جور حکام و کاسبان و تاجران دین بوده و مردم می‌توانستند آزادانه مسلمان شوند یا تابع یکی دیگر از شریعتهای آسمانی شوند. به همین دلیل جریان اسلام پذیری در ماوراء النهر و در میان ترکها نیز تدریجی و اختیاری بود. **سکولارها وقتی بر یک سرزمین تسلط پیدا می‌کنند با زور اسلحه قوانین سکولاریسم را بر آن جوامع پیاده می‌کنند و همه را مجبور به پذیرش قوانین خود می‌کنند اما اسلام این گونه نیست.**

در سال ۳۱۲ش با مسلمان شدن حاکم ایگور «ستاتورک بورگرخان» رحمه الله (که بعد از مسلمان شدن اسم «عبدالکریم ستاتورک» را برای خود انتخاب کرد) دین اسلام به شکل شبه کاملی در تمامی نقاط ترکستان انتشار یافت. با مسلمان شدن او بیشتر ساکنان ترکمن این مناطق و ساکنان آسیای میانه مسلمان شدند، همچنین «بغراخان» رحمه الله پادشاه کاشغر که در سال ۳۳۴ش فوت کرده نخستین کسی بود که قبیله و مناطق تحت حاکمیت خود را به گرویدن به اسلام تشویق و آنان را مسلمان کرد^۳ و به این ترتیب به تریج کل ترکستان تبدیل به دارالاسلامی شد که مردم داوطلبانه وارد اسلام می‌شدند تا به این شکل ماوراء النهر در خراسان بزرگ به مرکزی اصلی از مراکز اسلام در آسیا تبدیل شود، و این تمدن با حکومتهای بدیل اضطراری اسلامی امویان و عباسیان و امپراتوری قراخانیان که در سال

^۲ ابوبکر احمد بن ابراهیم همدانی ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، (بغداد، مکتبه المثنی، ۱۳۰۲ق) ص ۲۰۹ / ۵، ر، گیب، فتوحات عرب در آسیای مرکزی، ترجمه حسین احمدپور، (اختر، بی‌تا) ص ۵۶ - ۸۶.

^۳ دکتر غلامرضا وهرام، تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، سال چاپ ۱۳۷۲ ص ۸۶

۳۲۱ش شکل گرفت و تا سال ۵۴۳ش ادامه داشت و با چندین دارالاسلام متعدد دیگر تا زمان اشغال آن توسط کفار سکولار چینی و روسی ادامه پیدا کند.

کشورهای سکولار چین و روسیا از بزرگترین دشمنان اقلیمی مسلمانان این منطقه محسوب می شوند که ترکستان را سکولاریستی تحت اشغال غیر مستقیم روسیه است و ترکستان شرقی که تحت اشغال مستقیم چین به اشغال خود درآورده اند. ترکستان اکنون به دو قسمت ترکستان غربی که با جمهوری های مختلف است، تقسیم می شود.

کشور ترکستان شرقی با مساحتی تقریباً به اندازه ی ایران کنونی، یعنی سه برابر مساحت کشور فرانسه^۴ با ترکیبی از ایغورها و قزاقها و ترکمنها و تاتارها و تاجیکها و سایر قومیت های کوچک مسلمان جمعیتی بیشتر از تمام عربستان و عراق و سوریه با پایتختی اورومچی، در طول تاریخ حکومت های مستقل زیادی را به خود دیده و به نوعی رشته اتصال و پل ارتباطی چین با دنیای اسلام بوده است.

کشور ترکستان شرقی ۸۰ درصد از نیازهای نفتی چین را برآورده می کند، برخی از کارشناسان ذخایر نفتی این منطقه را اندازه ذخایر نفتی عربستان برآورد می کنند. نتایج یک پژوهش نشان می دهد بیش از ۹۰ درصد معادن اورانیومی که در اختیار کشور سکولار چین قرار گرفته - که مرغوبترین اورانیوم جهان است- در این منطقه قرار دارد. بزرگترین منابع زغال سنگ به همراه ۱۸۱ نوع ماده معدنی از جمله طلا و کریستال و نمک و آهن از کشور اشغال شده ی ترکستان شرقی توسط کفار سکولار و اشغالگر چینی استخراج می شود و این غیر از بیش از ۵۰ هزار کیلومتر مربع زمینهای حاصلخیزی است که برای کشاورزی قابل استفاده است که کشور سکولار چین تحت شعار «اصلاح زراعی» آنها را مصادره کرده و طی دهه ها، مرحله به مرحله، با تبعیت از سیاستی که اسم آن را «چینی کردن ترکستان شرقی»^۵ نام گذاشته به مهاجران چینی که مانند مور و ملخ آنها را وارد این منطقه می کند، واگذار کرده است.

کشور ترکستان شرقی که در سال ۱۲۶۲ش توسط چینی ها اشغال شد نام آن به سین کیانگ که در زبان چینی به معنای «سرزمین نو» است، تغییر یافت و همواره در سکوتی رقت بار از سوی سایر مسلمین همچون پاره ای جدا شده و حتی ناشناخته و گمنام مورد انواع سرکوبهای عقیدتی و فکری و جسمی و نابودی دسته جمعی و نسل کشی قرار گرفته اند که دو بار از سوی چین سکولار خانواده مانشو، و یک بار از سوی چین سکولار ملی گرا و بارها از سوی چین سکولار- سوسیالیست در معرض نابودی قرار

^۴ مساحتش بالغ بر ۶۴۰ هزار مایل مربع یعنی سه برابر مساحت کشور فرانسه می باشد.

گرفته اند و این قضیه کاملاً سرپوش گذاشته شده است و فریادهای مومنین این منطقه با سکوتی مشکوک مواجه است.

محمد ارکن در کتابش «رنجهای مسلمین ترکمن در ترکستان شرقی» می گوید: کمونیستها خط عربی را که مسلمانان این منطقه هزار سال از آن استفاده کرده بودند، ملغا کردند [همان کاری که روسها و آتاتورک و بارزانی ها و مریدان اوجالان بر سر مسلمین آورده و می اورند] و ۷۳۰ هزار کتاب عربی از جمله نسخه هایی از قرآن کریم را نابود کردند و همه این اعمال زیر شعارهایی انجام شد که امروزه نیز عده ای در بلاد مسلمین آنها را رواج می دهند که عبارتند از؛ مبارزه با عقب ماندگی، یا قطع ارتباط با گذشته، یا خشکاندن سرچشمه ها، یا ترقی خواهی، یا پیوستن به کاروان دولتهای متمدن، و دیگر عناوین فریبنده که نه تنها امت را از عقب ماندگی نجات نداد و منجر به هیچ پیشرفت تکنولوژیک یا سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی نشد بلکه موجب ازدیاد تبعیت و وابستگی به غرب و تبدیل جامعه به بازار مصرف تولیدات آنها شد که جوامع ما را بیش از پیش به نابودی کشاند.

اشغالگران سکولار چینی مدارس دینی و مکتب خانه های وابسته به مساجد را تعطیل کردند و ۲۹ هزار مسجد را بستند و ۵۴۰۰۰ امام مسجد را دستگیر کرده و داخل پایگاه های نظامی چین مورد شکنجه و اعمال شاقه قرار داده و به نظافت فاضلاب ها و تربیت خوک مجبورشان کردند.

این تنها مربوط به گذشته نیست بلکه دادستان چین در گزارش سالانه خود در سال ۱۳۹۲ش با افتخار اعلام کرد که مسئولان چین بیش از ۲۷ هزار نفر از مسلمانان ایغور را تنها در یک سال بازداشت کرده اند. این مسلمین بازداشت شده به عنوان مسلمان رادیکال شناخته می شوند، اما مسلمان رادیکال نزد آنها کدامها هستند؟

عادل سلیمان مسئول حزب کمونیست چین در روستای «آکچ» واقع در جنوب ترکستان شرقی در گفتگو با واشنگتن پست، اظهار داشت: فروشگاه ها در سال ۱۳۹۰ش به خاطر جلوگیری از تمسخر و تحقیر عمومی، فروش مشروبات الکلی و سیگار را متوقف کردند و همزمان با آن اهالی این منطقه از مصرف سیگار و مشروبات الکلی امتناع کردند. مسئولان دولتی این اقدام را رادیکالیسم دینی می دانند به همین خاطر مالکان فروشگاه ها را مجبور به فروش سیگار و مشروبات الکلی می کنند.

مسئولان سکولار چین قانون ممنوعیت حجاب و نقاب را در ترکستان شرقی را اعلام کرده و پوشیدن حجاب، نقاب و برقع و هرگونه لباس با تصاویر ستاره و هلال ماه را ممنوع اعلام کرده اند.

همچنین مسئولان محلی سوار شدن افراد جوان و میان سال دارای ریش را در وسایل حمل و نقل عمومی شهر ممنوع اعلام کردند و تهدید کردند کسانی که با مأموران بازرسی همکاری نکنند دستگیر خواهند شد. روزنامه «یومیه کارامای» نوشت: زنان محجبه نیز نمی توانند از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند.

حکومت سکولار چین با تصویب قانونی به نام قانون «یکسان سازی نماز» تصویب کرده که مسلمانان اجازه ندارند هر سوره ای از قرآن را که می خواهند در نمازهای جماعت قرائت کنند بلکه تنها می توانند سوره های «حمد»، «انشراح»، «تین»، «قدر»، «زلزال»، «عصر»، «قریش»، «ماعون»، «نصر» و «فلق» را در نمازهای جماعت مساجد بخوانند.

حالا اگر مسلمانی سوره ای دیگر خواند رادیکال و تند رو است و قانون شکنی کرده است. البته این طرح، یکسان سازی خطبه های نماز جمعه را نیز در بر دارد که بر اساس آن ائمه جمعه تنها می توانند در پنج موضوع که در ابتدای هر سال به همه مساجد ترکستان شرقی اعلام شده است، سخنرانی کنند.

با آنکه در دارالاسلام و سایر سرزمینهای مسلمان نشین دارودسته ی منافقین به همراه مسلمین ضعیف الایمان و جاهل به منابع شرعی داوطلبانه و اختیاری خود شان را به یکی از مذاهب دین سکولاریسم آلوده کرده اند و در عقاید و رفتارهای آنها این آلودگی را می توان دید که بسیاری از مسلمین به بیماری دین سکولاریسم یا یکی از مذاهب آن چون کمونیسم و لیبرالیسم و غیره آلوده شده اند و در واقع داوطلبانه «طرح اندلسی کردن سرزمین خود» را پیاده می کنند، اما در جاهائی مثل کشور ترکستان شرقی که به اشغال کفار سکولار جهانی و مزدوران محلی آنها درآمده اند این آلودگی عقیدتی و رفتاری و این «طرح اندلسی کردن ترکستان شرقی» به صورت اجبار بر مومنین تحمیل می شود.

حکومت سکولار چین با همکاری سکولاریستهای مرتد محلی جهت پیشبرد پروسه ی بزرگترین نسل کشی عقیدتی و فرهنگی قرن در کشور ترکستان شرقی علاوه بر منع مظاهر ظاهری اسلامی در سال ۱۳۹۶ش اردوگاه هایی را موسوم به «اردوگاه های بازآموزی» برپا کرده است تا علاوه بر تغییر اعمال مسلمانان، عقاید و افکار آنان را نیز تغییر دهد؛ در این اردوگاهها که تعداد همه ی آنها فاش نشده، از میان تعدادی که کشف شده اند تعداد آمار بازداشت شده ها که توسط منابع جهانی افشا شده تا سال ۱۳۹۸ش به بیش از سه میلیون مسلمان می رسند که غیر از آموزش منابع سکولاریستی و خواندن شعارهای سکولاریستی آنها را مجبور می کنند که گوشت خوک بخورند و مشروبات الکلی بنوشند و گاه آنها را به کار اجباری وادار می کنند.

در همین اردوگاهها در همان سال ۱۳۹۶ش جهت قتل عام عقیدتی و فرهنگی ریشه ای مسلمین حدود ۴۹۷ هزار کودک را از والدین خود جدا کرده و در کمپهای شبانه‌روزی مخصوصی آموزش می دهند. این آمار تنها متعلق به همان سال است که توسط خود نهادهای حکومتی سکولار چین ارائه شده و کسی از آمار سالهای بعد از آن خبر ندارد. و آنچه بر سر خواهران مسلمان ما در کشور اشغال شده ی ترکستان شرقی توسط کفار سکولار اشغالگر چینی و مرتدین محلی می آید در گفتار نمی آید.

حکومت سکولار چین با اسلام مثل یک بیماری روانی و به عنوان نابه‌هنجاری عقیدتی و اجتماعی نگاه می کند. در بریده‌یی از صدای ضبط شده رسمی حزب کمونیست که از طریق WeChat به اویغورها و سایر اقلیتهای مسلمان کشور ترکستان شرقی فرستاده شده بود و رادیو آسیای آزاد آن را رونویسی و ترجمه کرده است آمده است که : «مردمانی که برای تربیت مجدد [بازآموزی] انتخاب شده‌اند، به یک بیماری ایدئولوژیک آلوده‌اند. بنابراین، آن‌ها باید به عنوان یک بیمار به دنبال درمان باشند... ایدئولوژی مذهبی یک نوع مواد سمی است که ذهن مردم را مختل می‌کند...»

در کنار اینهمه جنایت باز چینی های سکولار نخستین آزمایش اتمی خود را در حوزه تاریخ در کشور اشغال شده ی ترکستان شرقی انجام داده اند به طوریکه تا کنون بیش از ۴۸ آزمایش را در این منطقه انجام داده که موجب آلوده شدن محیط و گرفتار شدن صدها هزار مسلمان به امراض واگیر شده است. نکته ی قابل توجه دیگر اینکه رژیمهای دست نشانده ای چون آل سعود و امارات و بحرین و الجزایر و امثالهم از چنین جنایاتی که توسط حکومت سکولار چین در برابر مومنین کشور اشغال شده ی ترکستان شرقی اعمال می شود حمایت کرده اند.

در برابر این اشغالگری آشکار دارالاسلام مسلمین توسط کفار سکولار چینی دو واکنش مختلف از سوی مردم کشور ترکستان شرقی صورت گرفته است. یکی از سوی سکولاریستهای ملی گرا که قشری ضعیف و اکثراً تجملاتی جامعه را در بر می گیرد و دیگری از سوی انقلابیون شریعت گرا که تمام اقشار جامعه را با خود همراه کرده و جنبه ی مردمی به خود گرفته است.

سکولار زده های ملی گرا همچون سکولار زده های ملی گرا و حتی اسلامگراهای لیبرال موجود در روسیه ی تزاری و پس از آن سعی دارند که مشکلاتشان را به محافل بین المللی سکولار انتقال دهند و مظلومیت تاریخی وبخصوص قضیه مهاجرین چینی و تعیین سرنوشت مسلمین را به این نهادهای سکولار جهانی برسانند . تکرار همان سناریوی جاهلانه ای که مسلمین ساکن در شوروی سابق انجامش دادند، که در مورد این واکنش مسلمین در انتهای کتاب روابط متقابل اسلام و دین سکولاریسم گفته ام :

" يك كار تعجب آور ديگري وجود دارد كه باز تكرر مي شود؛ اينكه در زماني كه نسل كشي بلشويكهاي سكو لار سوسياليست از مسلمين شروع شده بود؛ وقتي كه كلاً روستاها و مردم بيچاره ي ماوراء النهر توسط سربازان بلشويك در قساوت كامل كشته مي شدند، به جاي مقابله و جهاد عليه آنها، اين طبقه فرهنگي مسلمان مي خواستند كه اين خبر را به گوش سازمانهاي جهاني برسانند. انگار بلشويكها از اروپائيان خجالت مي كشيدند و دست از كشتار بر مي داشتند. همين كاري كه الان اين طبقه فرهنگي مسلمان دوباره دارند انجام مي دهند.

اين فاحشه بازي سياسي كه اروپا براي حقوق بشر آه و ناله مي كند؛ مسئله ي امروزه و تازه اي نيست، بلكه اين امري است طبيعي كه جامعه ي جاهلي سكو لاريست غرب، قرنهاست خودش را با آن منطبق و هماهنگ کرده است.^۶

اما واكنش دوم از سوي مجاهديني صورت گرفته است. مسلمين كشور اشغال شده ي تركستان شرقي ظرف ۱۲۰ سال گذشته، ۱۳۰ قيام انجام کرده اند كه به وسيله چيني هاي سكو لار سر كوب شده است. آنها در فاصله سال هاي ۱۲۶۲ش تا ۱۳۵۰، ۱۰۰۰ بار دست به قيام زدند كه ميانگين آن بيش از سالي يك بار مي شود. در اين قيام ها هزاران مسلمان مجاهد در انتهاي گمنامي و سكوت جهان اسلام كشته شدند، جهان اسلامي كه خودش هم غرق در ناسيوناليسم و ملي گرائي و جنگهاي نجدی ها با صوفي ها و شيعة ها و غرق در مشكلاتش با اشغالگران سكو لار غربي بود.

مسلمانان دست به قيام هاي سختي عليه سكو لاريستهاي چيني زدند مثل قيام «سعيد جهانگير خوجا» رحمه الله در سال ۱۱۹۹ش (۱۲۳۶ق) كه مدت ۸ سال به طول انجاميد و قيام «يعقوب بك» رحمه الله در سال ۱۲۸۲ هـ (۱۲۴۳ش) كه مدت ۱۵ سال به طول انجاميد و پس از آن مسلمانان توانستند به تركستان شرقي استقلال ببخشند، اما اين استقلال تركستان شرقي به رهبري يعقوب بك علاوه بر عدم حمايت ديگر حكام موجود در سرزمينهاي مسلمان نشين مثل آل سعود و غيره كه ادعای اسلامي بودن و... داشتند به دلايل متعدد ديگري كامل نشد، از جمله اين دلايل:

- دلايل داخلي: وجود دارودسته ي منافقين و نفوذی هاي داخلي (اينها خيلي مهم هستند؛ مديریت داخلي اينها خيلي مهم است)
- دلايل منجهی كه طبعاً باعث توليد دشمن و نزديك شدن كفار به همدیگر می شوند. (همين دلايل منجهی یعنی چه الان دارالاسلام و چه در زمان رسول الله صلی الله عليه و سلم، و چه در هر

۶ کتاب «روابط متقابل اسلام و دين سكو لاريسم» جلد هشتم، بخش: آسيب شناسی جنبش مسلمانان سرزمينهاي تحت اشغال روسيه ي تزاری و شوروی سوسياليستی و درسهايی كه از منهج اخوان المسلمین و قربانيانش بايد آموخت، ص ۱۸۰۴ به بعد

تاریخی، زمانی که پایبند به دلایل منهجی باشند طبعاً دشمن تولید می شود، و تولید دشمن چیز طبیعی است و متحد شدن دشمنان هم امری بدیهی و ساده است. در زمان یعقوب بک دلایل منهجی باعث به وجود آمدن سه خط و سه علامت خطر برای نزدیکی کفار بهم دیگر شد، مثل:

۱- پیوستن «یعقوب بک» به حکومت بدیل اضطراری اسلامی عثمانی و حرکت در مسیر وحدت اسلامی و ترس کفار سکولار جهانی از اتحاد فراگیر مسلمین و قدرت یابی مجدد آنها. یعقوب بک از همان کانال سه ابزار به طرف ابزار قدرتمند تر می خواست خود را ارتقاء دهد و این یعنی قدرت که با وحدت به وجود می آید و این قدرت برای کفار سکولار جهانی زنگ خطر است.

۲- مطلع شدن روسیه از نامه ی «یعقوب بک» که در آن اقدام به یاری دادن دولت «قوقان اسلامی» علیه روسها کرده بود و از مسلمین در برابر کفار حمایت شده بود. همین الان هم یکی از معضلات دارالاسلام ما، حمایت از مسلمین در برابر کفار است و همین علامت و زنگ خطری برای کفار است.

۳- نگرانی انگلیسی ها از نفوذ قیام «یعقوب بک» در حکومت های باقی مانده تحت استعمار انگلیس و تحریک آنها برای حرکت به سمت استقلال. (همین الان هم یکی از مخالفتها و زنگ خطرها برای کفار سکولار جهانی این است که می ترسند مردمان دیگر بیدار بشوند و بر علیه حکومت های دست نشانده و مزدور قیام کنند).

اینها یکی از همان دلایلی هستند که کفار سکولار جهانی و طاغوت های محلی با دارالاسلام های کنونی هم به مخالفت برخاسته اند.

حکومت اسلامی و «دارالاسلام» ی که «یعقوب بک» در ترکستان شرقی تشکیل داده بود را هیچ یک از کشورهای سکولار و دست نشانده ی آن زمان به رسمیت نشناختند و همین امر باعث شد که دارالکفرچین سکولار بار دیگر جرئت اشغال این دارالاسلام را در سال ۱۲۵۴ش (۱۲۹۲ق) پیدا کند و در نهایت در سال ۱۲۵۵ش (۱۲۹۳ هـ) چین سکولار بار دیگر با حمایت مستقیم روسیه و انگلیس به ترکستان شرقی حمله کرد و در سال ۱۲۵۶ش آن را کاملاً به اشغال خود در آورد. این حملات منجر به کشتار و نابودی بسیاری از مسلمانان و کوچ آنها از این اقلیم به مناطق مجاور شد.

در سال ۱۳۰۹ش (۱۳۵۰ق) قیام بزرگ دیگری در ترکستان شرقی علیه تهاجم چینی های سکولار آغاز شد. حکومت سکولار - سوسیالیست روسیه با اعمال فشارهای خود بر مسلمانان توانست آنها را قانع کند تا پستهای سیاسی و نظامی را بین مسلمانان ترکستانی و اشغالگران چینی تقسیم و توزیع کنند بطوریکه حاکم عام از چینها و معاون او از ترکستانی های مسلمان انتخاب شود.

علت وقوع چنین تقسیماتی این بود؛ یعنی این عقب نشینی برای این بود که خطر بزرگتری تهدیدشان

می کرد وگرنه اینها هیچوقت راضی نمی شدند چنین امتیازاتی به مسلمانان بدهند. اگر میبینیم به عنوان مثال که بعضی اوقات در مصر از سوسی سکولاریستها به مسلمین امتیازاتی داده می شود، یادر فلان جا به مسلمانان امتیازاتی داده می شود به خاطر این است که خطر بزرگتری این سکولاریستها را تهدید می کند و چنانچه این خطر رفع شود آن امتیازات هم پس گرفته می شوند؛ همان بلایی که سر مرسی آوردند.

علت چنین امتیازاتی به مسلمانان ترکستان شرقی که عده ای هم فریبش را خوردند این بود که که مجاهدان بر دو ولایت خُتن (hotan) و کاشغر (kaxgar) واقع در جنوب ترکستان شرقی تحت رهبری محمد امیر بگرا و ثابت داملا مسلط گشته بودند که هدفشان پیاده سازی احکام شریعت الله بود و «جمهوری اسلامی ترکستان شرقی» یا به زبان ترکستانی «شهرقی تورکستان نسلام جومهورییتی» را در سال ۱۳۱۱ش اعلام کردند. خطر بزرگ اینجا بود خطر بزرگ برای سکولاریست ها اینجا بود به همین دلیل هم عده ای به امتیازات درجه پایین تر راضی شده بودند و عده ای از مسلمانان ضعیف الایمان و بخصوص دار و دسته منافقین به این امتیازات دلخوش کرده اند؛ همان امتیازاتی که هم اکنون امریکا در افغانستان و عراق و سومالی و سایر سرزمینها به این دسته از به ظاهر مسلمانان لیبرال داده است، چرا؟ چون خطر بزرگتر وجود دارد. خطر مجاهدان شریعتگرایی وجود دارد که غیر از تطبیق قانون شریعت الله و اخراج تمام کفار سکولار از سرزمینهای مسلمانان به هیچ چیز دیگری راضی نمی شوند.

در زمانی که چنین جمهوری اسلامی در ترکستان شرقی در سال ۱۳۱۱ه ش اعلام می شود در این هنگام روسهای سکولار و چینی های سکولار تصمیم گرفتند تا از کانال دارودسته ی منافقین وارد شوند و از کانال یکی از به ظاهر مسلمانان از درون این اولین جمهوری اسلامی در میان مسلمین را براندازند و به کار آن خاتمه دهند، از این رو فردی **خائن بنام «خوجنیاز»** را متقاعد کردند تا همچون شریف حسین مکه که به مخالفت با عثمانی بر خاسته بود اینهم در همان نقش از درون به مخالفت با جمهوری نوپای اسلامی اقدام کند و در نهایت به قدرت آن پایان دهد و در مقابل به او وعده دادند که معاون حاکم نظامی در ترکستان خواهد شد، بدین ترتیب روسها و چینی های سکولار توانستند این اولین جمهوری اسلامی را در سال ۱۳۱۲ش بدست «خوجنیاز» از بین ببرند. **(خطر نفوذی ها و دارو دسته منافقین را درک کنید)**

بعد از آن خوجیناز «ثابت داملا» از رهبران اصلی جمهوری اسلامی ترکستان شرقی را دستگیر و او را به سکولاریستهای چین تسلیم کرد. سکولاریستهای چینی هم «ثابت داملا» تقبله الله را به شهادت رسانده - نحسبه کذالک و الله حسیه - و «خوجیناز» خائن هم بعداً حلق آویز شد.

این سرنوشت تمام به ظاهر اسلامگراهای خائنی بوده است که پس از اتمام کار همچون دستمال توالی دور ریخته شده اند. تاریخ اندلس و سایر سرزمینهای مسلمان نشین پس از آن تا کنون هم مملوء از تکرار این قماش از خائنین به ظاهر اسلامگرا بوده است.

خوجیناز در واقع همان نقش شریف حسین مکه در نبرد با عثمانی ها و همان نقش شریف شیخ احمد در نبر با امارت اسلامی سومالی و همان نقش ربانی و حکمتیار و احمد شاه مسعود و دوستم در افغانستان و همان نقش قاضی محمد در حزب اسلامی جماعت ژ-ک و در واقع همان نقش سایر مزدوران تاریخ در طول تاریخ را بازی کرد که در نهایت یا کنار زده شده اند یا تبعید شده اند یا به سبکهای مختلف حذف شده اند .

بدین ترتیب اتحاد روسیه سکولار و چین سکولار در پناه سکوت کشورهای سکولار دنیا و کشورهای دست نشانده ی حاکم بر مسلمین توانستند این اولین «جمهوری اسلامی» مسلمان را نابود کنند و سپس تمامی اعضای حکومت به همراه دهها هزار نفر از مسلمانان را دار زدند.

پس از آن قیام دیگری به رهبری عالمی به نام «علی خان طوره» رحمه الله در سال ۱۳۲۴ش (۱۳۶۴ق) آغاز شد و بدنبال آن استقلال ترکستان شرقی را اعلام کرد. اما روسیه سکولار با کمک نیروهای سکولار چینی این مرد شجاع را ربودند و بدین ترتیب این استقلال منحل شد و با روی کار آمدن سکولار سوسیالیستهای چینی وبه دست گرفتن حکومت اوضاع به نقطه صفر بازگشت.

جالب است بدانید که کشورهای سکولار روسیه و چین باز از طریق نفوذی ها و دارودسته ی منافقین موفق به ربودن این رهبر انقلابی و نابودی قدرت حکومتی او شدند. یکی از پیروان علی خان طوره رحمه الله شخصی به ظاهر مسلمان به اسم «احمد جان قاسم» بود که در ظاهر ادای مسلمین را در می آورد اما در واقع سکولار کمونیستی بود که در موسکو درس خوانده بود و به ریشه ها و مبادی کمونیستی چنگ می زد. روس های سکولار توانستند او را وارد صفوف مسلمانان کنند تا به این شیوه بر نهضت اسلامی احاطه داشته باشند. این شخص جهت دستگیری و تسلیم «علی خان طوره» رحمه الله به روس های سکولار، با آنها همکاری کرده بود.

نکته ای که در مورد قیام «علی خان طوره» لازم است به آن اشاره شود اینکه گاه مسلمین در پی اهدافی شرعی هستند اما در واقع نقش جریان نفوذ جهت کامل کردن پازل قدرتهای منطقه ای و جهانی در داخل

سرزمین مسلمان را بازی می کنند و ناخواسته طبق سناریوی به پیش می روند که اهداف دشمن را برآورده می کنند. یعنی در واقع با نام خون و ناموس و مال و دین و موجودیت مسلمان اما به کام دشمنان مسلمان و بخصوص به کام دشمنان سکولار مسلمان.

بعد از آنکه جمهوری اسلامی ترکستان شرقی بر اساس اتحاد حکومت‌های سکولار چین و روسیه و چراغ سبز حکومت سکولار لیبرال انگلیس از بین رفت روسها توانستند امتیازاتی در کشور ترکستان اشغال شده به دست بیاورند اما حاکم چینی کشور ترکستان شرقی در اثنا جنگ جهانی دوم و حمله آلمان به روسیه سکولار، وسیله ای شد تا حاکم سکولار چین به بهانه ی تحت فشار بودن و ترس از اینکه مورد هدف آلمانی ها قرار گیرد، روسهای سکولار را از اراضی خود بیرون کند.

با پایان جنگ جهانی دوم که به شکست آلمان انجامید، روسیه سکولار به فکر انتقام از حاکم چینی ترکستان شرقی افتاد. بنابراین عده ای از متخصصین نظامی را برای کمک به مسلمانان ترکستان و آماده سازی آنها برای رویارویی با چینی ها، روانه این کشور کرد.

در این اثنا مقاومت شدیدی از جانب مسلمانان ترکستانی علیه چینی های سکولار در جریان بود و با همکاری روسهای سکولار، مقاومت به سراسر اراضی کشور ترکستان شرقی گسترش پیدا کرد.

در اینجا هدف حکومت سکولار روسیه صرفاً انتقام از چینی های سکولار بود، نه استقلال ترکستان و این خلاف چیزی بود که «علی خان طوره» رحمه الله می خواست که تشکیل حکومتی اسلامی و مستقل بود. این دامی است که هم اکنون هم باز جماعت‌هایی از مسلمان در آن می افتند و در راستای اهداف دشمنان و طبق نقشه و سناریوی که دشمنان طراحی کرده اند حرکت می کنند که سرانجامی غیر از سرانجام «علی خان طوره» رحمه الله نداشته و ندارند. مسلمان باید هوشیار باشند و از اهداف دشمنان و از دلایل حمایت دشمنان از جماعت آنها آگاه شوند و فریب نخورند و کاری نکنند که جهاد آنها تبدیل شود به قتال فی سبیل آمریکا یا ناتو یا اتحادیه ی اروپا یا روسیه و چین و آل سعود و قطر و امارات و ترکیه و غیره.

در سال ۱۳۲۷ ش سکولار - سوسیالیست‌های چینی، ترکستان شرقی را بطور کامل به اشغال خود در آوردند. تنها در سال‌های مابین ۱۳۲۸ ش و ۱۳۵۰ ش، نیروهای اشغالگر سکولار سوسیالیست چین به صورت رسمی ۳۶۰ هزار مسلمان را اعدام کردند. نتیجه ی این حمله ی بی رحمانه این بود که تا سال ۱۳۵۷ ش دهها میلیون مسلمان به طرق مختلف، قتل و عام شدند و به دنبال آن چند میلیون مسلمان هم مفقود الاثر شده یا به کشورهای دیگر فراری شده اند.

علی رغم این شکستها و ظلم و ستمها، قیام های سخت مسلمانان بر ضد اشغالگری سکولاریستهای ظالم چینی همچنان ادامه پیدا کرده است و از جمله ی این قیام ها سال ۱۳۳۳ش در شهر خُتن بود که هدف آن استقلال ترکستان شرقی تحت رهبری «عبدالحمید دام الله و فتح الدین مخدوم» بود و در این قیام هزاران تن از مجاهدان به شهادت رسیدند.

در تاریخ ۱۳۶۸ش نیز در نتیجه ی یک عملیات جهادی به فرماندهی «ضیاء الدین یوسف» رهبر حزب اسلامی ترکستان شرقی، در روستای بارن در شهر قزلسو که اجرای احکام شریعت اسلامی را طلب میکرد، صدها مجاهد به شهادت رسیدند؛ **حزب تشکیل شد.**

ممکن علامت سوال شود چرا حزب تشکیل شد چون در دار الکفر بود و در دارلکفر ما حزب تشکیل می دهیم همچنان که رسول الله صلی الله علیه و سلم در دار الکفر مکه حزب الله را تشکیل داد اما در دارالسلام حزب ممنوع است، بله ایشان حزب تشکیل داد و در راستای بازگشت به تطبیق قانون شریعت الله و تشکیل حکومت اسلامی و بیرون راندن کفار از بخشی از دارالاسلام جهاد کردند و صدها مجاهد به شهادت رسیدند؛ با این وجود تا کنون جهاد مسلمین ماوراء النهر و بخصوص ترکستان شرقی به عنوان بخشی از خراسان بزرگ با تجربیاتی گرانبها به مسیر شرعی خودش ادامه داشته است.

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته